



کانسروتیو: آمریکا باید از حمایت عربستان برابر ایران دست بردارد

پایگاه خبری 'کانسروتیو' آج کیو' آمریکا روز دوشنبه در تحلیلی نوشت: این کشور باید از حمایت عربستان برابر ایران دست بردارد و میان این دو کشور خاورمیانه توازن برقرار کند.

به گزارش آران نیوز: در این تحلیل به قلم 'دوگ باندو' آمده است: 'زمانی دونالد ترامپ به مقامات سعودی به عنوان یک کشور خودکامه مشکوک بود و بارها گفته بود که چرا عربستان سعودی با حمایت مالی از تروریست ها، آنها را وادار می کند علیه منافع آمریکا وارد عمل شوند، اما با این وجود جای تعجب است که وی (ترامپ) امروزه همچنان از این کشور ثروتمند نفتی حمایت می کند.

ترامپ بعد از به قدرت رسیدن این بار تحت تاثیر ادبیات قوی تملق و چاپلوسی خاندان سلطنتی عربستان، دیدگاه خود نسبت به مقامات آن کشور را تغییر داد و در واقع با این کار زمینه حملات همیشگی به منافع و ارزش های آمریکا را فراهم آورد.

اگرچه عبدالعزیز بن سعود دولت - ملت سعودی جدید را بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول پدید آورد، اما آن کشور تا زمان کشف نفت در سال 1938 اهمیت چندانی در صحنه جهانی نداشت اما به تدریج نظر دوستی نفتی آمریکا را به خود جلب کرد.

این درحالی است که نظام پادشاهی عربستان سعودی به عصر جدید تعلق ندارد و مقامات آن کشور شهروندان خود را بدون هیچ قانون اساسی و در قالب سلطنت مطلقه اداره می کنند.

این روند در آن کشور ادامه یافت تا اینکه چند سال قبل، پادشاه کهنسال این کشور در گذشت و یک پادشاه جدید برای این کشور نفتی خاورمیانه تعیین و همین امر موجب روی کارآمدن حاکمیت های کوتاه مدت و فراموش نشدنی در این کشور شد و همه امکانات این کشور نیز میان حدود 7 هزار شاهزاده به اشتراک گذاشته شد.

مدت ها بود که خاندان سلطنتی عربستان با روحانیون بنیادگرای وهابی معامله کرده بودند، به گونه ای که رهبران سلف می بایست پایه های یک حکومت تمامیت خواه را در داخل کشور تضمین کنند و رهبران خلف نیز در ازای آن بکوشند اطاعت از خاندان سلطنتی را از طریق آموزش به شهروندان، در جامعه نهادینه سازند.

اما بعدها کاهش قیمت نفت و جمعیت جوان این کشور موجب بروز مشکلات اقتصادی فزاینده ای در این کشور شد.

امروزه دولت آمریکا در حالی با شاهزاده 32 ساله و ماجراجو و در واقع حاکم حقیقی این کشور یعنی محمد بن سلمان وارد معامله شده است که رژیم سعودی تا پیش از این بسیار محتاطانه تلاش می کرد تا اعضای خاندان سلطنتی اقدامی را مرتکب نشوند که موجب برهم خوردن زندگی آرام و لذت بخش این خاندان شود.

اما شاهزاده محمد بن سلمان امروزه به تدریج ملت خود را به سوی سراسیمگی منازعات داخلی سوق می دهد؛ مثلاً وی درحالی کشورش را به سوی فرصت های اقتصادی و مدرنیسم اجتماعی هدایت می کند که سرکوبی های سیاسی را نیز شدت بخشیده و خواستار تشکیل یک هژمونی نظامی در این کشور است و این در واقع ترکیب سمی است که بیش از همیشه منافع آمریکا را تهدید می کند.

اگرچه این شاهزاده با ایجاد اصلاحات از جمله تسهیل برخی محدودیت ها به ویژه در حقوق زنان برای خود آوازه ای کسب کرد، اما اسلام همچنان به عنوان تنها دین مورد قبول و رسمی این کشور شناخته می شود و تنها برخی نخبگان سیاسی هستند که می توانند در امور سیاسی این کشور وارد شده و یا در آن دخالت کنند.

در حقیقت، شاهزاده محمد بن سلمان یک سیستم استبدادی اقتدارگرای کلاسیک و جنجالی را در این کشور به یک دیکتاتوری شخصی سنتی تبدیل کرد.

دستگیری و مصادره بی رحمانه قدرت، متمرکز کردن حسابگرانه قدرت و دست اندازی بر ثروت، آینده خطرناکی را برای این کشور رقم زده است.

پیش از اینکه او خود را تا جایگاه پادشاهی عربستان سعودی بالا بکشد، این کشور با کمک تندروهای جهادی در امور داخلی سوریه دخالت کرد، جهادی هایی که خطرات آنها برای غرب به مراتب بیشتر از رژیم سرکوب گر اما سکولار بشار اسد است.

دولت ریاض حتی به لحاظ نظامی از هیأت حاکمه سنی مذهب بحرین علیه اکثریت جمعیت شیعه آن کشور حمایت می کند.

با این وجود این شاهزاده سعودی با راه اندازی وحشیانه ترین و خون بار ترین جنگ علیه کشور همسایه یمن برای روی کار آوردن مجدد حکومت دست نشانده خود در آن کشور بدترین اشتباه را مرتکب شده است. او در واقع با این اقدام، مناقشه قومی طولانی مدت داخلی یمن را به یک جنگ نژادی بین المللی تبدیل کرده است.

محمد بن سلمان حتی سال گذشته با محاصره قطر، شورای همکاری خلیج فارس را تجزیه کرد و حتی به تازگی با دعوت سعد حریری، نخست وزیر لبنان به ریاض، او را به گروگان گرفته و سپس به زور او را وادار به استعفا کرد، اما او (حریری) نیز با فشارهای بین المللی آزاد شد و بعد از مدتی استعفای خود را نیز پس گرفت.

علاوه بر اینها، از دیگر اقدامات بی محابانه او برای ایجاد یک هژمونی در خاورمیانه می توان بر تمرکز او بر ایران اشاره کرد. شاید مردم عربستان حاضر باشند جان خود را برای اسلام فدا کنند، اما حاضر نیستند خود را برای نخبگان سلطنتی که خود را تنها وارث قدرت، مقام، ثروت و دیگر امتیازات اجتماعی این کشور می دانند، فدا کنند.

اگرچه این شاهزاده سعودی چندان محبوبیتی در کشورش ندارد اما امیدوار است با متقاعد کردن و یا حتی دستکاری در دولت دونالد ترامپ نظر او را برای انجام اقدام کثیف ریاض برای حمله به ایران جلب کند.

اما بهترین کار برای آمریکا این است که یک توازن خشن میان ایران و عربستان سعودی برقرار کند. زیرا به رغم وجود ترسی که هم در عربستان و هم اسرائیل از ایران بوجود آمده است، اما ایران تهدیدی علیه هیچ کشوری به ویژه آمریکا نیست.

بنابراین، دولت ترامپ باید اقدامات جدیدی را با پایان دادن به حمایت از جنگ خون بار و بی هدف عربستان سعودی در یمن آغاز کند.

واشنگتن همچنین می تواند از ولیعهد عربستان بخواهد تا از حمایت کشورش از ایدئولوژی متعصبانه و غیر قابل تحمل وهابی گری در خارج از عربستان دست بردارد.

آمریکا باید به محمد بن سلمان بفهماند که در صورت حمله به ایران تنها خواهد بود و نباید در این زمینه روی حمایت آمریکا حساب کند.

اگرچه مناسبات نزدیک آمریکا با عربستان سعودی در طول جنگ سرد می توانست معنی راهبردی خاصی برای سیاست خارجی آمریکا داشته باشد، اما امروزه ادامه این مناسبات با یک کشور تحمل ناپذیر و سرکوبگر باید بیشتر محدود شده و صرفا مبتنی بر معاملات تسلیحاتی باشد.

ایرنا